



یادداشت

فاتحه لایحه "ساماندهی کارگران شرکتی" خوانده شد

صادق کار



چهار سال پس از کشاکش بر سر لایحه ای که قرار بود شرکتهای واسطه‌ای و پیمانکاری را که بخش قابل توجه‌ای از ارزش افزوده توسط کارگران را بدون هیچ زحمتی به جیب می‌زنند حذف کنند، سر انجام پنبه این لایحه در نشست روز گذشته عارف معاون اول دولت پزشکیان با اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس که روی این لایحه و بالا و پایین کردن آن کار می‌کرد زده شده و فاتحه آن خوانده شد.

در این نشست بنا به گزارش ایلنا

پیشنهاد شد مجلس و دولت با همکاری مشترک، برنامه‌ای مدون برای انتخاب نیروهای واجد صلاحیت و "دارای حداقل‌های تخصصی تدوین کنند تا ضمن حفظ شأن نیروهای شرکتی، کارآمدی نظام اداری نیز ارتقا یابد"

می‌بینیم در این طرح کوچکترین اشاره‌ای به حذف واسطه‌ها و استخدام مستقیم کارگران پیمانی نشده است و انگار نه انگار که این خواست اصلی کارگران و لایحه مجلس بوده است.

این پیشنهاد اولاً به منزله کنار گذاشتن لایحه‌ای است که با کمک آن ۷ سال کارگران پیمانی را سردوانیدند، ثانیاً مدت نا معلوم دیگر قرار است کارگران را به امید جایگزین جدیدی که هیچ چیز آن فعلاً معلوم نیست و چند سال دیگر آماده کردن آن طول بکشد سر گرم کنند. مسلم است طرح جایگزین قرار نیست بساط واسطه‌ها را که خواسته اصلی کارگران است بر چیند.

از آقای عارف همان معاون سابق دولت خاتمی که قانون حذف کارگران کارگاه‌های داری تا ۱۰ نفر را تهیه و از تصویب مجلس گذراند و میلیونها کارگر را از حق و حقوق قانونی شان محروم کرد، و از دولتی که در سر سپردگی اش به اتاق بازرگانی و سرمایه داران رانتخوار اسلامی ذره‌ای شک و تردید نیست چه انتظاری غیر از این می‌شد داشت؟

از توافق به عمل آمده بین عارف و اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس ریاکاری این جماعت شارلاتان برای آن ساده دلانی که دل به آنها بسته بودند آشکار شد و فهمیدند در کل این سیستم یکی را نمی‌توان یافت که از حقوق کارگر و عدالت در عمل دفاع کند



تنها مدت اندکی بعد از آنکه اعضای کمیسیون از تصویب لایحه ۴ ساله شان خبر دادند ، و اعلام کردند

پیمانکاران حذف و نیروهای شرکتی قرارداد مستقیم می شوند- براساس سناریو مورد توافق دولت و " مجلس، نیروهای شرکتی تحصیل کرده از دیپلم به بالا در قالب کار معین و نیروهای دیپلم به پایین در قالب ماده ۱۳۴ قانون مدیریت خدمات کشوری براساس قانون کار با دولت قرارداد می بندند و شرکت های واسط "هم حذف شوند

معلوم شد همه اینها فریبکاری بوده است. حالا باید دید آن انجمن دولتی که برای اعتصاب شکنی سر هم بندی کرده بودند تا به کارگران القاء کند که بدون اعتصاب کارگران را به خواسته های شان خواهد رساند، بعد از این ماجرا چه دارد که بگوید

لایحه مذکور زمانی مطرح شد که اعتصاب و اعتراضات گسترده ای در میان کارگران شرکتهای پیمانکاری در جریان بود و در واقع تحت تاثیر اعتصاب و پس ناکامی اعتصاب شکنان و فرصت طلبان مجلس و دولت به آن تن دادند. از همین رو روشن بود که پس از پایان یافتن اعتصاب آن را پس خواهند گرفت. در چهار سال گذشته نیز هر گاه اعتصابی شکل می گرفت دوباره بحث لایحه را پیش می کشیدند تا با کمک آن مانع گسترش و تداوم اعتصاب بشوند

ما در طی چهار سال گذشته بارها بر اساس شناختی که از ماهیت این حکومت پلید و عدالت ستیز و سابقه کارگر سیزانه آن داشتیم نتیجه را پیشبینی کردیم و نوشتیم که حکومت محال است داوطلبانه بدون فشار نیرومند به حذف شرکتهای پر سود پیمانی که مالکان آنها اکثرا وابستگان به حکومت هستند تن در دهد. تصویب و اجرای این لایحه مستلزم داشتن تشکل نیرومند و تکرار اعتصاب بزرگی است که باعث تهیه آن لایحه شد. متأسفانه حالا می بینیم که پیشبینی های ما درست از کار درآمد

اکنون نیز تنها و موثرترین کار سازماندهی همه ی کارگران پیمانی در یک تشکل مستقل و دمکراتیک و تکرار اعتصاب تاریخی و بزرگ گذشته است. باید توجه داشت که هیچ دست آوردی را هر چقدر هم که بزرگ باشد بدون تشکل نمی توان حفظ کرد. سیاست حکومت در ارتباط با اعتراضات و مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران بر گرفته شده از سیاستهای راهبردی کلی حکومت، امتناع از پذیرش مطالبات است. به این معنی تا جایی که می توانند نمی خواهند به هیچ یک از مطالبات کارگران تن در دهند. بررسی رویکردهای یک سال اخیر حکومت و سرمایه داران گویای این مسئله است فعلا سعی می کنند با بی محلی به اعتراضات و بازداشت فعالین و سازمانگران زنده این سیاست را نهادینه کنند و اگر از این راه موفق نشدند از راه های دیگر نیز بهره خواهند گرفت. بهمین جهت نقش سازماندهی و تشکیلات به مثابه ابزار هایی که می شود با این سیاست مبارزه کرد بیش از گذشته اهمیت پیدا می کند

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش نوزدهم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



5 آسیب پذیری و صدا

5.1 مقابله با ریسک

ما درباره بهداشت و آموزش برای فقرا سخن گفته ایم؛ هم به عنوان اجزای مهم یک راهبرد کاهش فقر در خود آنها، و هم به عنوان عناصر بنیادی برای کمک به فقرا در جهت افزایش درآمدشان. در پس این موارد، می توان عوامل دیگری را شناسایی کرد که بستر کاهش فقر را فراهم می آورند. به ویژه اقداماتی که ریسک را کاهش می دهند یا بیمه ای در برابر ریسک فراهم می کنند، دامنه فرصتهای در دسترس فقرا را گسترش داده و آنها را در موقعیتی قرار می دهد که بتوانند بهتر از راهبردهای کاهش فقر - چه در حوزه بهداشت، چه آموزش یا فرصتهای کسب درآمد - بهره مند شوند. اما شناخت اهمیت ریسک چه تأثیری بر راهبردهای کاهش فقر دارد؟

ما بیش از پیش دریافته ایم که حتی موفقیت هایی که فقرا در بهبود وضعیت خود به دست می آورند - هرچند با آثار مثبت و نتایج رو به بهبود همراه باشند - نهایتاً از شکنندگی بیش از حد رنج می برند. ریسک های مرتبط با فقر می توانند دستاوردهای به سختی به دست آمده را یک شبه نابود کنند. در واقع، همانگونه که دیده ایم، یکی از ویژگی های رایجی که در توصیف های معاصر از فقر به آن اشاره می شود، ریسک است. در بسیاری موارد، ریسک مانع می شود فقرا فعالیتهایی را که بالقوه بازدهی بالایی دارند، انجام دهند. بنابراین، مسئله ریسک حداقل دو بُعد دارد: نگه داشتن فقرا در فعالیتهای کم ریسک و کم بازده، و به خطر انداختن آنچه پیشتر داشته اند. درمان های رایج برای ریسک - یعنی وام گیری و بیمه - به ندرت و بس ناچیز در دسترس فقرا قرار می گیرند و فقدان آنها در کانون بسیاری از محرومیت هایی است که فقرا ناگزیر با آن روبرو می شوند.

یک مطالعه شناخته شده در باره وام دهندگان در چامبار پاکستان در اوایل دهه 1980 این مشکل را در بازار اعتباری نشان می دهد. وام دهندگان زمان و تلاش زیادی را صرف بررسی اعتبار متقاضیان می کنند. فقرا که وثیقه ای در اختیار ندارند، نیازمند بررسی دقیقتری اند. حتی اگر متقاضی از این مانع عبور کند (نرخ رد حدود ۵۰ درصد بود)، وام دهنده معمولاً با یک وام کوچک شروع می کند تا شرایط را بیازماید. ترکیب هزینه اداری بالا و وام کوچک ناگزیر به نرخ بهره های بالا می انجامد. نرخ بهره میانگین که وام دهندگان در چامبار مطالبه می کردند 79 درصد در سال بود. با چنین نرخهایی، فقرا عملاً از این بازار کنار گذاشته می شوند. به همین سیاق، شرکتهای بیمه راهی مطمئن برای ارزیابی میزان تلاش متقاضیان بیمه - به ویژه در زمینه های کشاورزی - ندارند و بنابراین نمی توانند علت واقعی ناکامی این یا کشاورز را، از جمله در کار کشت، شناسایی کنند.



فقدان اعتبار و بیمه فشار سنگینی بر دوش فقرا می‌گذارد. برای نمونه، مطالعه ای در باره خانوارهای روستایی در جنوب غرب چین در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ نشان داد که از دست دادن درآمد یک سال به دلیل خرابی محصول، به طور میانگین به ۱۰ درصد کاهش مصرف در سال بعد در یک سوم ثروتمندترین خانوارها منجر می‌شد. این کاهش قابل توجه اما قابل مدیریت بود. در مقابل کاهش میانگین مصرف برای یک دهم فقیرترین خانوارها ۴۰ درصد در سال پس از خرابی محصول بود؛ یک افت ویرانگر. به طور مشابه، در روستاهای جنوب هند که طی ۱۰ سال دقیقاً بررسی شدند، ضریب تغییرات میانگین درآمد خانوارها ۴۰ درصد بود؛ و برای سودهای کشاورزی بیش از ۱۲۵ درصد.

خانوارهای فقیر به نوسانات درآمد به دو شکل واکنش نشان می‌دهند. آنها ممکن است برنامه‌های تولید یا راهبردهای اشتغال را به گونه ای انتخاب کنند که در معرض ریسک شوکهای نامطلوب درآمدی کمتری باشند، حتی اگر این امر به معنای درآمد متوسط پایینتر باشد. علاوه بر چنین تلاشهایی برای هموارسازی درآمد، آنها ممکن است برای هموارسازی مصرف نیز اقدام کنند؛ با ایجاد ذخایر، بیرون کشیدن کودکان از مدرسه، یا توسعه سازوکارهای غیررسمی بیمه و اعتبار. این تلاشها هم پرهزینه اند و هم ناکافی. هزینه از آنجا ناشی می‌شود که فقرا با یک مبادله تلخ روبرو اند؛ یا ریسکی را بپذیرند که می‌تواند به نوسانات فاجعه بار در مصرف بیانجامد، یا ریسک را به گونه ای به حداقل برسانند که فقر را تداوم بخشد. در هر حال تلاشهای آنها ناکافی است، زیرا ریسکها - به ویژه در سطح روستا، منطقه یا کشور - همچنان وجود دارند و فقرا خود قادر به بیمه کردن در برابر آنها نیستند.

ما در ادامه، این نکات را مختصراً توضیح خواهیم داد

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

یک طرفه به قاضی رفته‌اید

صادق



خبرهای منتشر شده در رسانه ها حاکی از آن است که کارفرمایان و سرمایه داران و شرکتهای پیمانکاری دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان خود و حق بیمه آنان را نیز به حساب تامین اجتماعی واریز نمی کنند و در مواردی نیز کارگران خود را به مرخصی بی حقوق می فرستند



حتی عده‌ای از آنها سهم حق بیمه کارگر را با وجود اینکه از دستمزد کارگر کسر کرده‌اند ماه‌ها آن را به حساب تامین اجتماعی واریز نکرده‌اند. این مسایل البته بخشا قبلا نیز وجود داشته، بنا بر این نمی‌شود آن را صرفه به حساب جنگ و قطع برق گذاشت. اما عدم پرداخت به موقع دستمزد ها و حق بیمه در دو سه ماه اخیر به شدت افزایش یافته و فشار زیادی را به خانواده‌های کارگری وارد کرده است تا جایی که تامین اجتماعی از عرضه دارو و خدمات درمانی به کسانی که حق بیمه شان را کارفرمایان پرداخت نکرده‌اند، خودداری کرده است.

بطور کلی سالهاست که حقوق کارگران توسط سرمایه داران و حکومت زیر پا گذاشته می‌شود. دستمزدها زیر خط فقر است، قرارداد ها اکثر موقتی است، کارگران فاقد امنیت شغلی هستند و به راحتی از کار اخراج می‌شوند، حق بیمه کارگران را کمتر از آنچه هست برای تامین اجتماعی رد می‌کنند، حق تشکل از کارگر سلب می‌شود، حوادث کار نیز بیداد می‌کند و... این وضعیتی است که ده‌ها سال است وجود دارد و پدیده تازه‌ای نیست.

در چنین اوضاعی سر مقاله نویس جهان صنعت به بررسی وضعیت بد تولیدات صنعتی و کشاورزی و آمار صادرات و واردات می‌پردازد و دغدغه های سرمایه داران تولیدی و صنعتی را در آن بیان می‌کند و از وضع موجود گلایه و شکایت می‌کند. ایشان البته حق دارند از منافع اقتصادی و سیاسی طبقه ای که خود را متعلق به آن می‌داند دفاع کند، ایراد من به ایشان به این خاطر نیست من منکر انتقاداتی که ایشان از حکومت و دولت دارند هم نیستم. این انتقادات پر بیراه نیستند.

با بخشی از نوشته و نتیجه گیری های نویسنده کسی نمی‌تواند دلیلی برای مخالفت بیابد اما آنجا که نویسنده در بخشی از پاراگراف پایانی مقاله و نتیجه گیری می‌کند و می‌نویسد بدون تردید بازنده این وضعیت غم‌انگیز میلیون‌ها مزد و حقوق بگیرند که از یک‌سو قدرت خریدشان آب می‌رود و از سوی دیگر در هراس از دست دادن شغل خود هستند. با این رکود برگشت داده شده بسیاری از بنگاه‌های کوچک توانایی بقا را از دست داده و این مردم بخت برگشته‌اند که شغل و قدرت خریدشان به "سوی هیچ شدن پیش رانده می‌شود

جای تامل دارد، زیر ایشان همه ی تقصیر بد شدن وضعیت "مزد و حقوق بگیران" را به عهده دولت قرار می‌دهد و نقش بخش خصوصی و سرمایه داران و پیمانکاران را یکسره درز می‌گیرد. من با آن قسمت از نوشته مخالف هستم. نه آقای جناب صفت شما همه ی حقیقت را نمی‌گویید. نصف حقیقت را می‌گویید، اما نصف دیگر را که بخشی از فلاکت و فقر مزد و حقوق بگیران نتیجه رفتار همان‌هایی است که شما مرتب و به صورت یک طرفه در نوشته هایتان دغدغه آنان را دارید است که آن را سعی می‌کنید ماهرانه پنهان اش کنید.

اگر قصد شما گفتن حقیقت است و نشان دادن راهکار و کارگران و مزدبگیران را برای دفاع از منافع سرمایه داران وسیله قرار نداده‌اید، لطف کنید از سرمایه داران و کارفرمایان هم بخواهید که دستمزد کارگران شان را حداقل به اندازه خط فقر و تورم زیاد کنند و به موقع بپردازند، تا مجبور نباشند، نان و برنج را قسطی بخرند، حق بیمه شان را مرتب و به اندازه بپردازند، تا بی دارو نمانند. جوالی به همسایه‌ات اگر می‌زنی، یک سوزنی هم به خودتان بزنید بلکه درد دیگران را احساس کنید. از بی رونقی ناراحتید؟ حق دارید، ولی پدر بیامرز با این دستمزدها که نمی‌شود رونق ایجاد کرد. نوشته شما نقل یک طرفه به قاضی رفتن و راضی برگشتن است



کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم! اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی! از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

"بیدادگری علیه کارگر و پیشنهاد کج راهه یک "فعال صنفی

ع امید



اختلافات کارگری و کرفرمایی در ایران آنقدر زیاد شده است که رسیدگی به آنها البته اگر اراده‌ای برای این کار وجود داشته باشد به صبر ایوب نیاز دارد. از میان گزارشهایی که این طرف و آن طرف در مورد اختلافات فزاینده کارگران با کارفرمایان و هیئت‌های حل اختلاف منتشر شده‌اند به راحتی می‌شود فهمید، ۹۰ درصد شکایات کارگری که شانس بررسی در هیئت‌ها و دادگاه‌ها را پیدا می‌کنند، یا به ضرر کارگران رای صادر می‌کنند یا اگر شکایت کارگر را محق تشخیص داده و حق را به کارگر بدهند در عمل بیش‌ترشان اجرا نمی‌شوند. مشکل البته در نحوه رسیدگی و آرای صادره تمام نمی‌شود. دست انداز بعدی برای آنهایی که رای به نفع شان صادر می‌شود، اجرایی شدن احکام هیئت‌های حل اختلاف است.

: بشنویم بخشی از مشکلات بعدی را از زبان یکی از اعضای تشکلهای حکومتی

رحیم میرعبدالله، فعال کارگری و عضو سابق هیأت مدیره کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار استان " در گفتگو با «ایلنا» گفت: آرای صادره از سوی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف کارگری طبق تهران، ماده ۱۶۶ قانون کار، از طریق مراجع قضایی به اجرا گذاشته می‌شود. در آبان‌ماه سال گذشته، دستور جدیدی از سوی مدیرکل دادگستری استان تهران صادر شد مبنی بر اینکه برای تسریع در رسیدگی به مسائل کارگری، اجرای احکام به صورت متمرکز در شعبه ۱۵۸ مجتمع قضایی شهید محلاتی انجام شود. به این ترتیب، تمام اجرائیه‌های مربوط به حقوق کار و کارگران در تهران به این مجتمع ارجاع و سپس به دادگاه "تخصصی اجرای احکام مستقر در خیابان صفی‌علی‌شاه (شهید دیالمه) منتقل می‌شود

این حرفها البته بخشی از مشکل است که بخاطر انباشت نارضایتی در میان کارگران شاکی مطرح می‌شود. راه حلی نیز که ایشان داده‌اند حتی اگر پذیرفته بشود باز هم مشکل را چندان سه‌لتر نمی‌کند. زیرا نه اکثر کارفرمایان اساساً این آرا را به رغم قانونی بودنشان می‌پذیرند و نه این ساز و کار پاسخگو است زیرا که اولاً



ریشه این همه شکایات عدم رعایت قوانین کار و حقوقی است، ثانياً اسباب آن که سندیکا و اتحادیه است وجود ندارد

بنا بر این، تا وقتی این مسائل رفع نشوند شکایات آنقدر زیاد خواهند شد که اختصاص همه ی دادگاه های کشور به این کار نیز حلال مشکل نخواهد بود

در کشورهایی که هم قانون کار وجود دارد و هم حقوق و فعالیت سندیکایی به رسمیت شناخته شده است و دستگاه دادگستری و قضایی آنها مانند حکومت اسلامی تحت سلطه مافیاهای اقتصادی قرار ندارد، اختلافات کارگری و کارفرمایی ابتدا سعی می شود توسط مذاکره و به صورت دسته جمعی حل و فصل شوند و اگر از این طریق به نتیجه نرسید به دادگاه محول می شوند و کسی نمی تواند از اجرای حکم دادگاه طفره برود. اما در ایران هیچ کدام از این امکانات برای کارگر وجود ندارد. بهمین جهت است که شکایات کارگران هر روز بیشتر و انبوه تر می شود و زمان رسیدگی طولانی تر و احکام صادره اکثراً به نفع کارفرمایان صادر می شود و آنهایی هم که حکم به نفع کارگر صادر می کنند، احکام نه اجرا می شوند و نه از طرف دادگستری، ادارات کار و نیروی انتظامی اقدامی برای اجرا کردن احکام به عمل می آید

می بینیم که عوامل مختلفی در این زنجیره نقش دارند. اما نقش و تقصیر اصلی را حکومت به عهده دارد. حکومتی که نهادهای آن خود قوانین را زیر پا می گذارند، رشوه و فساد همه ی تاروپود آن را در بر گرفته، حقوق کارگر برای تاسیس سندیکا را پایمال می کند، از لحاظ بیدادگری شهره آفاق است و حق دادخواهی از قربانی را سلب کرده است، چه انتظاری غیر از بیدادگری می توان داشت

اما به این "فعال کارگری" هم باید یادآوری کرد اگر واقعاً قصد سردواندن کارگران را ندارد، راهی که برای رفع مشکل می دهد یک کج راهه و از جنس همان راه کارهای صاحبان قدرت و ثروت است که ذره ای از مشکل را که حل نمی کند هیچ، اغوا کننده و انحرافی است. این اظهارات نشان می دهد که ایشان یا معنی و مفهوم فعال کارگری بودن را نمی فهمد، یا می فهمد ولی از نشان دادن راه درست می خواهد طفره برود. بهمین خاطر کلمه ای از نقش تشکل برای رفع مشکل به میان نمی آورد



«سیستان» قربانی خشکسالی و بی تدبیری/ اگر یارانه نبود، خیلی ها نان نداشتند»

اینجا کار نیست، وقتی کار نیست چطور صحبت از نرخ بیکاری کنیم؛ مثلاً وارد یک روستا در سیستان می شویم با ده خانواده، نه کشاورزی هست و نه چاه آبی. بیرون روستاها هم صنعتی نیست؛ در واقع همه مردم بیکارند. فقط یکی دو درصد در کار سوخت و بازارچه هستند، تعدادی هم کارمند هستند اما در حقیقت بالای ۸۵ درصد مردم بومی اینجا بیکارند

از گزارش نسرین هزاره مقدم در خبرگزاری ایلنا



تجمعات کارکنان رسمی در مراکز مختلف نفت و گاز جنوب

گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

امروز یازدهم شهریور همکاران رسمی ما در ادامه اعتراضات تا کنونی خود در مناطق مختلف نفت و گاز جنوب تجمع کردند. این تجمعات از جمله در نفت و گاز پارس جنوبی، پالایشگاه گاز فجر جم، نفت و گاز پارس و پالایشگاه هفتم در POGC عسلویه سایت ۱، شرکت نفت و گاز پارس کنگان سایت ۲، سکوها ۴۰ گانه ی عسلویه منطقه ویژه، شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، برگزار SPGC مجتمع گازی پارس جنوبی شدند.

اهم مطالبات همکاران رسمی عبارتند از:

اصلاح نظام حقوق و دستمزد، پرداخت کامل حقوق، حذف کسورات ناعادلانه، اجرای قرارداد استخدامی، حذف سقف حقوق، اجرای کامل ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی در مناطق عملیاتی و ... هستند



تظاهرات هفتگی بازنشستگان

در یکشنبه هفته گذشته و دوشنبه هفته جاری تظاهرات گروه‌های مختلف باز نشستگان در شهرهای مختلف با شرکت تعداد بیشتری از بازنشستگان و حامیان آنان در شهرهای مختلف در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و درمانی، پرداخت نکردن منظم حقوق، گرانی دارو و سایر کالاها و خدمات برگزار شد. در بعضی از تجمعات از جمله در شهرهای کرمانشاه، شوش، رشت، بازنشستگان علاوه بر درخواست مطالبات صنفی شان، ادامه سرکوب و در زندان نگه داشتن فعالین مدنی و سیاسی و محکومیت فعالین کارگری به اعدام را محکوم و خواهان لغو احکام ظالمانه اعدام زندانیان، آزادی آنها و رعایت حقوق مدنی، و سیاسی و حقوق سندیکایی کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته شدند. طبق معمول در تعدادی از تجمع ها شعار هایی نیز علیه مدیران و مسئولین حکومتی داده شد.



ریحانه انصاری نژاد» فعال کارگری زندانی آزاد شد

ریحانه انصاری نژاد، فعال کارگری زندانی، پس از تحمل دوسال حبس روز پانزده شهریورشد آزاد شد. انصاری نژاد، فعال صنفی کارگران است که دو سال پیش از این دستگیر و به زندان اوین منتقل شده بود



موج گسترده‌ی حمایت‌های داخلی و جهانی از شریفه محمدی

کمپین دفاع از شریفه محمدی اعلام می‌کند که موج حمایت‌های جهانی و داخلی از این فعال کارگری و مدافع حقوق زنان، روزبه‌روز در حال گسترش است. از اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی تا نهادهای مدنی و شخصیت‌های برجسته، همگی خواستار لغو فوری و بی‌قید و شرط حکم ناعادلانه اعدام شریفه محمدی و آزادی او شده‌اند.

تشکل‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

(کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری) ITUC

(بزرگ‌ترین اتحادیه کارگری اسپانیا) CCOO

(کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری سوئد) LO

(انجمن بین‌المللی حمایت از کارگران ایران) IASWI

(بریتانیا) Nottinghamshire Trades Union Council

(بزرگ‌ترین اتحادیه کارگری بریتانیا) Unite the Union

(شبکه نمایندگان کارگری بریتانیا) NSSN

(امنستی) Amnesty International

(وضعیت حقوق بشر در ایران) Mai Sato (مدافعان حقوق بشر) و Mary Lawlor: گزارشگران ویژه سازمان ملل



(FFMI) کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران

شورای شهر فلورانس – ایتالیا

(فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل‌ونقل) – روان سوباسینگه، مسئول بخش حقوقی ITF

تشکل‌ها و گروه‌های داخلی ایران ■

اتحادیه آزاد کارگران ایران

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

کانون صنفی معلمان تهران

بازنشستگان خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

بازنشستگان رشت

بازنشستگان کرمانشاه

بازنشستگان تهران

چندین تشکل دانشجویی از دانشگاه‌های تهران، علامه، خواجه نصیر، علم و صنعت، علوم پزشکی تهران و ...

فعالان مترقی عرب اهواز (عائق)

تشکل‌ها و کارزارهای مدنی ■

کمپین توقف قتل‌های ناموسی

زنان برای آزادی برابر و پایدار

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

انجمن قلم ایران (در تبعید)

تعداد زیادی از هنرمندان، فعالین کارگری، زنان کنشگران اجتماعی و سیاسی ■

از جمله



توماج صالحی (رپر و فعال اجتماعی)

وریا غفوری (کاپیتان سابق استقلال)

الناز رکابی (سنگ‌نورد و مدال‌آور جهانی)

محمد حبیبی (سخنگوی شورای هماهنگی معلمان)

(سناتور کانادا، کفیل سیاسی شریفه) Julie Miville-Dechéne

دکتر آنتونیو الیه (وکیل برجسته حقوق بشر و مشاور شورای اروپا)

اکنون صدای شریفه محمدی و ناعادلانه بودن حکمی که برای او صادر شده، بیش از پیش در میان مردم _ کوچه و خیابان در سراسر ایران آشکار گشته است. نمود این حقیقت را می‌توان در شعارنویسی‌ها، اعتراضات خودجوش مردم، و امضای هزاران پتیشن حمایتی در شبکه‌های اجتماعی مشاهده کرد. افزون بر این، شریفه مادری است که فرزند و مادر سالخورده او هنوز از حکم اعدام ناعادلانه‌ی شریفه بی‌خبر هستند. کودکان طبق کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (ماده ۹ و ماده ۳)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲۳ و ۲۴)، و همچنین ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق دارند از حضور مادر، سلامت روانی و امنیت عاطفی برخوردار باشند. این حق ابتدایی نباید از فرزند شریفه دریغ شود.

این طیف گسترده از حمایت‌ها نشان می‌دهد که صدای شریفه محمدی، امروز پژواکی فراتر از مرزهای ایران یافته است. تشکله‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی، فعالان مدنی و شخصیت‌های برجسته یک‌صدخواستار لغو فوری حکم بی‌اساس اعدام و آزادی شریفه محمدی شده‌اند.

کمپین دفاع از شریفه محمدی تأکید می‌کند که همچنان با پیگیری‌های مداوم در سطح ملی و بین‌المللی، این پرونده را در مرکز توجه افکار عمومی و نهادهای حقوق بشری قرار خواهد داد.

کمپین دفاع از شریفه محمدی



تجمع متقاضیان مسکن در اصفهان

متقاضیان مسکن ملی در مقابل درب استانداری تجمع کردند تا اعتراض خود را به عدم تحویل مسکن دولتی طی ۶ سال و نبود شفافیت در

قیمت‌ها نشان دهند. اعتراضات مشابه‌ای در همین خصوص در ماه‌های اخیر پس از تشدید بحران مسکن و افزایش اجاره بها در شهرهای زیادی برگزار شده است.



بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت حکم اعدام شریفه_محمدی؛ توقف اعدام و سرکوب

در آستانه سالروز قتل حکومتی ژینا و سالگرد جنبش باشکوه «ژن، ژیان، نازادی»، حاکمیت با شیوه‌های گوناگون در پی انتقام‌گیری از دلسوزترین افراد و گروه‌های جامعه است. تأیید دوباره حکم اعدام شریفه محمدی، فعال کارگری و مدافع حقوق زنان، یکی از بی‌رحمانه‌ترین جلوه‌های این انتقام‌گیری کور و بی‌سرانجام است.

این حکم علیه زنی دلسوز و فعالی متعهد در شرایطی از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده که روند قانونی و حقوقی پرونده ایشان به‌درستی طی نشده است. «قاضی پدر» با لجajt و بدون رعایت اصول دادرسی عادلانه، حکم اعدام صادر کرد و «قاضی پسر» نیز در همان مسیر سیاسی و غیرقضایی، حکم پیشین را تأیید و نام تمام این نمایش را «اعاده دادرسی» گذاشته‌اند. آنچه در این روند غایب بوده است، «داد»، «دادوری» و دادرسی عادلانه است.

تأیید حکم اعدام شریفه محمدی بار دیگر فقدان استقلال قوه قضاییه و نبود عدالت در این دستگاه را عریان می‌سازد و نشان می‌دهد که این حکم نه صرفاً محصول التزام به قوانین ناقص و متناقض جمهوری اسلامی، بلکه ادامه‌ی سیاست‌های سرکوبگرانه و بازتاب مستقیم نگرش سیاسی-امنیتی حکومت نسبت به هرگونه فعالیت مدنی است.

صدور حکم نا انسانی اعدام شریفه محمدی را باید در چارچوب سیاست سرکوب گسترده‌تری دید که رژیم در آستانه‌ی سالگرد خیزش ژینا به آن دامن زده است؛ احکام خردگریز و غیر انسانی اخراج و زندان علیه معلمان در کوردستان و کرج، احضار گسترده‌ی بازنشستگان در گیلان، تسریع در اجرای احکام اعدام در زندان‌ها، افزایش فشار بر زندانیان، بازداشت بی‌رویه‌ی افراد با متهم نمودن آنان به همکاری با اسرائیل و وخیم‌تر کردن وضعیت زندان‌ها، همگی بخشی از این هجمه علیه جامعه است. با این‌همه، زنان* امروز در صف نخست مقاومت برای زندگی آزاد و عادلانه ایستاده‌اند. صدور دسته‌جمعی احکام اعدام برای زنانی چون شریفه محمدی، پخشان عزیزی و وریشه مرادی نه تنها اراده‌ی زنان* و مردان این سرزمین را در مسیر آزادی و عدالت متزلزل نخواهد کرد، بلکه عزم آنان را استوارتر می‌سازد.

شریفه محمدی، به‌عنوان زنی بااراده، دلسوز و متعهد، الهام‌بخش هزاران زن و مرد جوانی است که به تباهی و سیاهی تن نداده‌اند و برای آبادانی، رفاه، شادی و عدالت مبارزه می‌کنند. او را آزاد کنید؛ شریفه یکی از نمادهای خواست جمعی و سراسری مردم این سرزمین برای زندگی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر است. حکم اعدام او توهینی آشکار به این اراده جمعی است.



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران قاطعانه اعتراض خود را به این حکم ظالمانه اعلام کرده و خواستار لغو فوری حکم اعدام شریفه محمدی، پخشان عزیزی، و وریشه مرادی و تمامی دیگر زندانیان سیاسی و غیرسیاسی است. این شورا تأکید می‌کند که اعدام، در هر شرایطی و علیه هر انسانی، چه زندانی سیاسی و چه غیرسیاسی، عملی ضدانسانی و غیرقابل توجیه است. این شورا با اعلام همبستگی کامل با همه مبارزانی که برای آزادی و آبادانی این سرزمین تلاش می‌کنند، یادآوری می‌کند که قدرت حاکم با ارباب و انتقام کور قادر نخواهد بود اراده‌ی میلیون‌ها زن* و مرد آزادی‌خواه را درهم بشکند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

شهریور ماه ۱۴۰۴ ۱۸

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>